

این اداره به صورت مشخص چه کاری کند؟

یکی تأمین گل جهاست که تعدادشان در شهر به بیش از ۲هزار و ۲۵۰ می‌رسد. این‌ها را جاهایی نصب می‌کنیم که امکان اجرای فضای سبز وجود ندارد، مثل عرصه میدان شهدا، آیلندهای راست و چپ بولوار وکیل آباد وایلند میانی خیابان بهار. کار دیگرمان تأمین وتوزیع همه‌گونه‌های گیاهی است که در شهر می‌بینید. بخشی از کارهای ما روزمره است، بخشی هم مناسبتی مثل دهه کرامت که گل آرای ویزه داریم و بخش دیگر نیز فصلی است، مثل استقبال از بهار و گل کاری های پاییزی. در طرح‌هایی مثل هفته درخت‌کاری هم تأمین وتوزیع گونه‌ها در این اداره صورت می‌گیرد.

حدود چهارده ماه است که مدیریت این اداره را برعهده گرفته‌اید. عملکرد آن پیش وپس از شما چه فرقی کرده است؟

یکی از مهم‌ترین هایش تولید است. در چشم‌انداز سال اول، تولید ۱۰درصد از نیاز-گونه‌های گیاهی شهر را هدف گذاری کرده بودیم که محقق شد. در چشم‌انداز سال دوم ۲۰درصد راه‌دف گذاری کرده‌ایم.

این ۱۰ و ۲۰درصدی که می‌گویید، معادل چند اصله یا بوته است؟

۱۰درصد که افق پارسالمان بود، معادل یک میلیون و ۹۰۰هزار اصله درخت و بوته گل فصلی بود. از ابتدای امسال تا انتهای مرداد، یک میلیون و ۱۰۰ اصله بوته تولید شده است.

یعنی قبلا تولید نمی‌شد؟

انجام می‌شد، فقط در حد ضایعات گل‌هایی که از المان‌های شهر برگشت خورده بود، شاید سالانه در حد ۵۰ تا ۱۰۰هزار بوته. اینجا قبلا بیشتر محل دیو ی گونه‌ها بود. خریدهایی که از طریق مناقصه با تولیدکننده‌ها انجام می‌شد، تخلیه و بین مناطق مختلف شهر تقسیم می‌شد.

اینکه تولید را جزو اولویت‌هایتان گذاشته‌اید، یعنی به نیروی کار این اداره اضافه می‌شود؟

نه. با همین ۱۴۰ نیروی کارگری، کارشناسی و واحد ماشین آلات در سه مجموعه فرودگاه، غدیر و گوندوک که در مجموع ۲۱هکتار است. در بازه‌های مختلف بسته به نیاز از کارگرهای فصلی هم استفاده می‌شود.

این افق‌ها با تعداد نیروی کاری که گفتید، شدنی است؟

بنا داریم در کنار نیروهای مجموعه، از ظرفیت‌هایی مثل کمپ‌های ماده ۱۶ استفاده کنیم. با معاون دادستان، صحت و مسئله نهایی شده است. آموزش دادن زنان سرپرست خانوار و تولید گونه‌ها در محل زندگی‌شان، گزینه دیگر است که با سازمان‌های میداین شهرداری درباره آن رایزنی شده است.

شهرداری و دادستانی برای استفاده از ظرفیت کمپ‌های ماده ۱۶ کافی‌اند؟

معلوم است که نه، به معاون دادستان هم بی‌تعارف گفتم که همه دستگاه‌ها باید بیایند پای کار. نه اینکه بنده به عنوان شهرداری پیش قدم شوم وبعد، این‌ها بشود جزو شرح وظایفم. ما باید نیازمان را در زمینه‌گونه‌های مورد نیاز در فضای سبز اعلام کنیم وتولید بر این اساس انجام شود تا به جای تأمین نیاز از خارج استان، آن را ا داخل تأمین کنیم.

با چه دلایلی سایر دستگاه‌ها را به استفاده از ظرفیت معنادان متجاهر ترک کرده، در تأمین گونه‌های فضای سبز مشهد مجاب می‌کنید؟

شغل که داشته باشند، امید به زندگی پیدا می‌کنند ومدت پاقی‌شان بیشتر می‌شود. در مسئولیت قبلی‌ام با امکانات محدودی که داشتم، برای بیست نفر از این افراد، کار دائم ایجاد کردم وهنوز پاک هستند. حیف است بودجه‌هایی که برای پاک‌شدن معنادان متجاهر خرج می‌شود، به دلیل نداشتن شغل، هرز برود و آن‌ها دوباره به چرخه اعتیاد برگردند.

تأکیدتان برای تأمین نیازهای فضای سبز مشهد از تولیدات داخل استان به این دلیل است که ...

منظورم این نبود که بقیه استان‌های تأمین‌کننده

از پژوهش برای گونه‌های کم آب بر تا استفاده از معتادان بهبودیافته

دشواری‌های ساختن یک شهر سبز

مخالفان وموافقان زیادی دارد. بیشتر کسانی که به سرسبزی کنونی مشهد، نه می‌گویند، نگران وضعیت منابع آبی هستند، برخی نیز به گونه‌های کاشته‌شده منتقدند و می‌گویند با اقلیم اینجا هم خوانی ندارد، مشکلات تنفسی به بار می‌آورد و چیزهایی از این قبیل. موافقان هم دلایل متعددی دارند درباره اینکه وجود فضای سبز برای کلان شهر مشهد با این حجم از آلودگی هوا و جمعیت مجاور و زائر یک ضرورت است. وقتی به سراغ مدیر تولیدات گیاهی سازمان پارک‌ها و فضای سبز شهرداری مشهد رفتیم، تصورمان این بود که بایکی از موافقان وضعیت کنونی مواجهیم، اما در همان دقایق ابتدایی، نگاه توأمان او به نقاط قوت وضعف فضای سبز مشهد، خودش را نشان داد. علیرضا کفاش دانش آموخته رشته‌های گیاهان زینتی ومدیریت است. بخش کوچکی از گفت‌وگوی بلندمدار اتاق کارش وبقیه در حین بازدید میدانی از برنامه‌های در دست اقدام برای سرسبزی مشهد رقم می‌خورد. فلسفه کفش‌های کتانی این مدیر سی‌وپنج ساله را وقتی بهتر متوجه می‌شویم که بازدید دودقیقه‌ای مان تمام می‌شود. خستگی این پیاده روی دوونیم کیلومتری می‌ارزید به شنیدن ایده‌های سبز برای بهترشدن حال مردم شهر، تماشای کارگران مشغول در فضای هفت هکتاری مجموعه ونفس کشیدن در هوای شرجی گلخانه‌های آن.



عکس: زینب انصاری/اندیشه شهر

شهرداری استفاده شود واین نیاز را با خرید دوباره تأمین نکنیم. بیمارستان این مرکز را که بازدید خواهیم کرد، برای گونه‌های آپارتمانی درست کردیم تا گل‌هایی را که در آستانه خراب شدن است، تیمار کنیم و به چرخه استفاده برگردانیم. نمونه دیگر، نخستین رویداد «طعم و رنگ پاییز» بود که پارسال در بوستان جهان شهر برگزار شد. بلافاصله بعد از برگزاری، گل‌های داوودی را آوردیم اینجا وقلمه گرفتیم. اگر این کار رانمی‌کردیم، ضایعات می‌شد و کسی هم نمی‌پرسید چرا. الان همان قلمه‌ها شده است ۲۰هزار بوته گل که تا یک ماه دیگر در نقاط مختلف شهر کاشته می‌شود.

احتمالا این صرفه جویی‌ها با تشویق هم همراه است.

خوشبختانه از سوی معاونت خدمات شهری ومجموعه شورای اسلامی شهر که اعتبارات لازم را تصویب می‌کنند، بله، اما مستحضر هستید که در همه مجموعه‌ها هستند کسانی که سنگ اندازی کنند. گاهی، وقتی بنای انجام کاری را داریم، تعداد کارکنانی که پای کار هستند، بیشتر می‌شود. بیابید وارد جزئیات نشویم.

شما قبلا مدیر پروژه ایست کار(سامان‌دهی کارگران ساختمانی) بودید. تجربه‌هایی نامتناسب ودور از همدیگر به نظر می‌رسد، نه؟

نه. در هر دو حوزه، آسیب‌های مشابهی وجود دارد که وقتی دقیق تر نگاه کنیم، در کشور تکرار شونده است. مثلا در سال ۱۳۹۹، چندصد میلیون تومان از هزینه‌های دریافت پروانه ساختمانی بابت حق بیمه کارگران ساختمانی به حساب دستگاه مربوط در استان واریز شد، در حالی‌که بیمه‌گر جدیدی جذب نشده بود. آن‌ها می‌گفتند ما باید این مبلغ را به صندوق کشوری واریز کنیم، در حالی‌که منطق می‌گوید وقتی این پول دارد از استان ما واریز می‌شود، باید در همین استان هم هزینه و صرف گسترش کار شود. این دست تجربه‌ها را که می‌گذارم

آب خواهد بود. اگر ما همچنان دنبال ایجاد فضای سبز ناپایدار باشیم، به مشکل می‌خوریم. درباره این تغییر سیاست‌ها داریم به صورت جدی کار می‌کنیم، شاید نیازی نباشد اطلاع‌رسانی شود.

اتفاقی که ازغدغه‌های فعالان آب ومحیط زیست، فضای سبز مشهد وتأمین نیاز آبی آن است، شما می‌گویید می‌شود مشهد سرسبز و کم‌نیاز به آب داشته باشیم؟

ببینید، بهترین گزینه، ساده‌ترین آن نیست. در جلسه‌ای تخصصی، نماینده یکی از دستگاه‌های متولی آب از حذف چمن می‌گفت، در حالی‌که به دلیل زیرساخت‌های فرسوده خودشان، کلی آب دارد هدر می‌رود. به جز سربی که چمن‌ها جذب می‌کنند وبا چمن زنی جمع‌آوری می‌شود، می‌دانید اگر این چمن‌ها نبودند، گردوخاکی که چند روز پیش در مشهد به راه افتاد، شهر را چه می‌کرد؟! به جای تصمیم‌های احساسی باید R&D را اجرا ببیندازیم.

اینکه هر دستگاهی، توپ کاهش مصرف آب را به زمین دیگری ببندازد، فایده‌ای دارد؟

ما داریم به نوبه خودمان در این زمینه کار می‌کنیم. مشاور گرفته‌ایم برای پژوهش روی گونه‌های کم آب، متناسب با اقلیم وصدآلرژی. فرزند خودم درگیر اسم کودکان است وبه گفته فوق تخصص آلرژی، بخشی از ما چرا به نوع گونه‌های کشت‌شده در شهر برمی‌گردد. قوانین را از دستگاه‌های مسئول مطالبه می‌کنیم. به صورت تجربی هم مشاهدات ما نشان می‌دهد برخی گونه‌های کنونی ویژگی‌های مناسبی دارند، مثل سدوم که در سرمای منفی ۱۷درجه دوام آورد وکم‌نیاز به آب است. در کاشت به این‌ها بیشتر توجه می‌کنیم. در بازدید، گلخانه‌هایشان را خواهید دید. بنده سراغ استادان این حوزه در دانشگاه فردوسی مشهد رفته‌ام تا پای کار بیایند.

برای تولیداتتان از چه آبی استفاده می‌کنید؟

از آب آب شیرین کن استاندارد وآب چاه. دنبال این هستم که از تصفیه‌خانه سیدی هم یک خط بگیرم.

پیمانکارها چطور؟

بیشتر آب چاه است، چون جهاد نظارت جدی دارد. با این حال، احتمالش هست که در این بین از آب شرب هم استفاده شود.

هر سال نمایشگاه گل وگیاه مشهد در یک زمان فشرده چندروزه برگزار می‌شود وتمام. از روی استقبال گسترده شهروندان از این نمایشگاه به این نتیجه نرسیده‌اید که مشهد به نمایشگاه دائمی گل وگیاه نیاز دارد؟

می‌شود این طور تفسیر کرد، فضای فیزیکی آن هم موجود است. با این حال، باید کارشناسانه به قضیه وارد شد. مشاور، در حال مطالعه است.

به کشت گل‌های داوودی اشاره کردید. جشنواره گل‌های داوودی امسال برگزار می‌شود؟

بله.

کجا؟ باغ گیاه‌شناسی؟

دنبال جای بهتری هستیم، جایی که فضا باز باشد.

آن ساختمانی که گوشه مجموعه در حال احداث بود، چه کارکردی دارد؟

برای استراحت ونماز کارگران است. کارگر باید بهترین فضا را در اختیار داشته باشد. این موضوع حس خوبی به او می‌دهد وروی بهره‌وری‌اش قطعا مؤثر است.



عکس: خدیجه

حرم اابعدا...الحسین(ع) دچار درد زایمان شد که او را به بیمارستان صحرایی اطراف حرم ونهایتا بیمارستان خدیجه کبری(س) در شهر کربلا منتقل کردند وباتلاش پزشکان، نوزاد کربلایی او در صحت وسلامت به دنیا قدم گذاشت. البته این نوزاد فعلا برای احتیاط در بخش نوزادان نارس قرار دارد. همچنین، خوب است بدانید که خدمات زایمان این بانوی ایرانی به سبب طرح هدیه امام حسین(ع) و طرح ارائه خدمات پزشکی زیارت اربعین، رایگان انجام شد.

«محل تولد: کربلا»، تصور کنید کسی از شما پرسد اهل کجایی و محل تولدت کجاست؟ آن وقت با افتخار سرت را بالا بگیری وبگویی اهل ایرانم، اما متولد کربلا! این پاسخی است که سال‌ها بعد دختر ایرانی بین الحرمین با حسی سرشار از عشق ومعرفت، آن را بر زبان خواهد آورد. احتمالا متوجه شده‌اید از چه حرف می‌زنیم؛ از نوزادی که عطر وبوی حرم را حس کرد وعجولانه پا به دنیا گذاشت تا نامش را به عنوان کوچک‌ترین زائر امسال در فهرست اربعینی‌ها بنویسند. خبر از این قرار است که همین یکی دو روز پیش، بانویی ایرانی در

تولدت مبارک دختر کربلایی!

چشم‌تان روشن

